

### اسطوره پیامبران قومی، پادشاهان نژادپرست، رهبران قدرت طلب، پیشگویان قبیلگی

شاید فیلم معروف ده فرمان و پویانمای شاهزاده مصر را دیده باشید. در این آثار، نسبت‌های ناروایی به بزرگ‌ترین پیامبر بنی‌اسرائیل، حضرت موسی (ع) وارد شده است. در این فیلم موسی (ع)، پیش از پیامبری، زن‌باز، شهوت‌ران و بی‌خیال نشان داده می‌شود. پس از پیامبری نیز، او را رسولی از جانب خدای یهود، برای نجات قوم برگزیده از چنگال فرعونیان به تصویر کشیده‌اند. به گونه‌ای که عالی‌ترین هدفش، خروج یهودیان از مصر و نجات این قوم ستم‌دیده از شر شیطان‌های مصری و رساندن آن‌ها به سرزمین موعود یهود است.

بی‌شک همه انسان‌های آزاده می‌دانند که موسی (ع) پیامبری اولوالعزم بود که برای رهایی و آزادی بشر، از قید خودپرستی و شهوترانی برگزیده شد و نجات انسان‌ها از دست بت‌های قومیت‌گرایی، ملی‌گرایی، آمانیسم، قبیله‌محوری بود. نگاه زیبای قرآن، به ما یادآور می‌شود که خدای جهانیان، این پیامبر بزرگ را فرستاد تا به فرعونیان بگوید:

طغیان در برابر خدا کافی است،<sup>۱</sup> دست از غفلت و تکذیب آیات الهی بردارید.<sup>۲</sup> قطعاً از خدا بترسید و خشوع کنید.<sup>۳</sup> خدای واحد را بپرستید، نه خدایان قبیلگی و قومی.<sup>۴</sup> سحر و کهنات را کنار بگذارید.<sup>۵</sup> به تأمل در آیه‌های پروردگار بپردازید.<sup>۶</sup> و حقیقت را کنار نگذارید.<sup>۷</sup>

### دو فیلم با یک نام و یک کارگردان:

ده فرمان سال ۱۹۲۳ و ده فرمان سال ۱۹۵۶

جهت‌داری صهیونیستی ده فرمان، آن‌گاه بیشتر مشخص می‌شود که بدانیم یک کارگردان، دو فیلم با فاصله ۳۳ سال به این نام ساخته است. در سال ۱۹۲۳م و ۱۹۵۶م.<sup>۸</sup> سیسیل ب. دمیل دو

۱. اشاره به آیه مبارکه ۱۷ از سوره نمرات: اذهب الی فرعون انه ظالم!
۲. برداشتی از آیه شریفه ۱۳۶ سوره اعراف: فانتقمنا منهم فاغرقناهم فی الیم بالغم فکذبوا باياتنا و کاتوا علیها غافلین.
۳. اشاره به آیات ۱۸ و ۱۹ سوره نازعات: قل هل لک الی ان تزکی - و لهدیک الی ربک فتخش.
۴. اشاره به آیات ۱۰۲ و ۱۰۵ سوره اعراف: و قال موسی یا فرعون انی رسول من رب العالمین - حقیق علی ان لا لول علی الا الحق قد جتکم بینه من ربکم فارسل من بنی اسرائیل.
۵. اشاره به آیه ۲۷ سوره یونس: و لا یفلح الساکرون.
۶. اشاره به آیه ۵۲ سوره طه: کذبا و اربعاً انما کم ان فی ذلک لآیات لاولی الالباب.
۷. اشاره به آیه ۶۱ سوره طه: قل ان لیم موسی و هارون لا تقربوا علی الله کذباً.
۸. هدف بنیان فیلم ده فرمان توجیه تشکیل رژیم صهیونیستی، سرپوشش‌های سرکردگی یهود، صهیونیسم و...



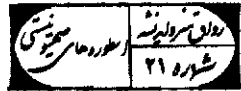
فیلم با موضوع مظلومیت یهودیان در بند ساخته است که ناچای بزرگی به نام موسی آن‌ها را به سمت سرزمین موعود می‌برد. صحنه باشکوه فیلم ده فرمان با شکافته شدن آب و گذر بنی‌اسرائیل از وسط آن، جذاب و تأثیرگذار پرداخته شده است و هر بیننده‌ای را مجاب می‌کند که قوم مظلوم یهود با این عنایت بی‌نظیر خدا واقعاً برگزیده هستند و حق دارند در سرزمین موعود فلسطین زندگی کنند.

سال ۱۹۲۳م. که نسخه اول این پروژه ساخته شد، با سال انقراض خلافت عثمانی و تبعید سلطان عبدالحمید دوم و خلع بد ترکیه نسبت به همه سرزمین‌ها و مناطق جدا شده از خاکش به موجب قرارداد لوزان، هم‌زمان است که بهترین زمینه‌سازی برای استقرار دوباره دولت یهود در فلسطین بود. در همین سال، سیزدهمین کنفرانس صهیونیستی در کارلسباد تشکیل شد و تکاپوی صهیونیست‌ها برای غصب هرچه زودتر سرزمین فلسطین شدت گرفته بود. در همین سال، سازمان تروریستی *هاگانا* قدرتمند شد و دستگاه جاسوسی اطلاعاتی *ایچپ* یهودیان، زیر نظارت این گروهک خشن درآمد. ترور فعالان مبارز و مدافعان فلسطین نیز شدت بیشتری گرفت.<sup>۱</sup>

بی‌شک تحلیل و فهم یک فیلم، زمانی دقیق‌تر و کامل‌تر است که زمینه فیلم و حوادث و زمان ساخت آن مورد توجه قرار گیرند. در حوالی سال ۱۹۵۶م. که نسخه دوم این فیلم به نمایش درآمد نیز، حوادث قابل تأملی به وقوع پیوست که در تحلیل بهتر نسخه دوم بسیار مهم است. سال ۱۹۴۸م. صهیونیست‌ها که حدود ۲/۵ درصد خاک فلسطین را مالک بودند، با حمله نظامی، ۷۸ درصد آن را تصرف کردند و تأسیس دولت اسرائیل را جشن گرفتند. آمریکا و شوروی هم دولت صهیونیستی را به رسمیت شناختند و صهیونیست‌ها که با پول و تبلیغات خود، افکار عمومی جهانی را با خود همراه کرده بودند، فاجعه کشتار *یافا* و قتل‌عام روستای *دیر یاسین* را به وجود آوردند.

در سال ۱۹۴۹م. سازمان ملل، این رژیم را به عضویت خود درآورد و سیل مهاجران یهودی به فلسطین اشغالی سرازیر شدند. در سال ۱۹۵۱م. بیست و سومین کنفرانس صهیونیستی در قنس برقرار شد. در سال ۱۹۵۵م. بود که مبارزه ملت‌های مسلمان علیه غاصبان، شکل جدیدی به خود گرفت و نخستین عملیات شهادت‌طلبانه بر ضد رژیم صهیونیستی انجام شد و رسوایی جدیدی با

۱. یهود و صهیونیسم: تحلیل عناصر فقهی، تاریخی و دینی یک فاجعه احمد کریمیان، سردبیر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۳۸۴، قم، ص ۲۷۷ - ۲۸۸.



حادثهٔ لافون برای صهیونیست‌ها پیش آمد. در این حادثه، یک شبکهٔ خرابکاری صهیونیستی که در قاهره درصدد انفجار مراکز مصری، آمریکایی و انگلیسی بود، کشف و متلاشی شد.<sup>۱۰</sup> پس از آن مردم دنیا دانستند که دولت صهیونیستی برای تخریب روحیه مقاومت مصری‌ها و فلسطینی‌ها از هیچ کوششی دریغ نمی‌کند. شاید به همین دلیل بود که برنامه‌ریزان صهیونیسم بین‌الملل در آمریکا، به این نتیجه رسیدند که باید تجدید روحیه‌ای اساسی داشته باشند و فیلم ده فرمان در سال ۱۹۵۶م. بازسازی شد و با تبلیغات زیاد به فروش ۶۵/۵۰۰/۰۰۰ دلار دست یافت که نسبت به فیلم‌های کنونی هالیوود فروش بسیار بالایی است. در فیلم دوم ده فرمان، چارتون هستون نقش موسی را بازی می‌کرد که مؤثرتر، مقتدرتر و استادانه‌تر از موسای فیلم نخست، یعنی تئودور رابرتز بود. سال اکران فیلم با اشغال نوار غزه به وسیلهٔ صهیونیست‌ها هم‌زمان بود. در همین سال، بیست و چهارمین کنفرانس صهیونیستی هم تشکیل شد.<sup>۱۱</sup>

موسای این فیلم به گونه‌ای قدسیت‌زایی شده است که عشق به یک زن را که اکنون همسر فرعون شده، بر فرمان خدا ترجیح می‌دهد در صحنه‌ای که قرار است نخست‌زادگان قبطیان مصریان - به دستور الهی با طاعون از میان بروند، ملکه نِفیرتیتی که در دوران پیش از پیامبری، معشوقهٔ موسی بود و اکنون همسر قانونی فرعون است و از او یک پسر دارد، به دیدار موسی می‌رود و از او خواهش می‌کند این عذاب را از فرزند نخستش بردارد. ملکهٔ فعلی مصر، خطاب به موسی می‌گوید:

من مطمئنم که عشق تو به من قوی‌تر از هر خدایی است و تو پسر مرا نمی‌کنی.

سپس ملکه با ناراحتی و امید آن‌جا را ترک می‌کند. بدون درنگ موسای این فیلم، یعنی صهیونیستی که نمی‌تواند خواسته‌های خدای جهانیان را بر تمنای نفس خویش ترجیح دهد، با ناراحتی بر میز کوچکی که جلوی پایش هست می‌کوبد و خطاب به خدا می‌گوید:

بار اله! از این قهر و غضب درگذر!

قلم شرم دارد که بنویسد پیش از این صحنه، همسر فرعون مصر، در آغوش مرد نامحرم موجود در صحنه یعنی موسای این فیلم صهیونیستی بود و پس از آن، خطاب به موسی گفت:

مطمئنم که عشق تو به من قوی‌تر از هر خدایی است.

۱۰. همان منبع، ص ۳۹۲.

۱۱. یهود و صهیونیسم، تحلیل عناصر فوس، تاریخی

و دینی، بخشین ص ۲۸۸.



لازم به توضیح است که قوانین شرعی منع ارتباط با محارم در یهودیت، بسیار شبیه شریعت اسلامی و حتی شدیدتر از آن است تا حدی که در فیلم *بیگانه‌ای* در میان ما<sup>۱۲</sup> شدت رعایت این منع را تا آنجا نشان می‌دهد که در محله یهودی‌نشین نیویورک، در یک اتوبوس مخصوص یهودیان، وسط اتوبوس، بین زن و مرد پرده‌ای قرار داده‌اند! گویا هالیوود به یک کارخانه تقدس‌زدایی تبدیل شده است که به راحتی شهوترانی و نفسانیت را به بزرگ‌ترین پیام‌آوران الهی نسبت می‌دهد.

اکنون تقدس‌زدایی خود یک بت جدید در هالیوود است که در پیشگامی به راحتی سرمایه‌هایی چون موسی، هارون و سلیمان (ع) هم قربانی می‌شوند. تصویری چنین از پیام‌آوران وحی باعث عصمت‌زدایی از آنان می‌شود که حجیت نداشتن وحی را به همراه دارد. با از حجیت افتادن وحی، فیلم‌سازان همیار صهیون، ناچارند پیامبران را هم به قهرمانانی زمینی و قوم‌گرا تقلیل دهند و عشق زمینی را از عشق آسمانی باارزش‌تر جلوه دهند. البته این نگاه، در متون دینی اهل کتاب، ریشه دارد. برای نمونه، در تورات موجود، در داستان‌های گوناگون، اعمال ناپسندی چون زنا حتی با محارم، بت‌پرستی به دلیل عشق به زنان متعدد بت‌پرست، ستم‌کاری، کمک به گوساله‌پرستی، شرب مسکرات و مستی و فریب‌کاری و زورگویی حتی به خدا به ترتیب به پیامبران بزرگواری هم چون داوود، لوط، سلیمان، هارون، نوح و یعقوب (ع) نسبت داده شده است.<sup>۱۳</sup>

در فیلم ده فرمان، هارون (ع) را هم به داشتن روابط عاشقانه با زن جوان دیگری که با یهودی جاسوس قبطیان ازدواج کرده است و هم‌چنین به ساختن گوساله طلایی از طلای مردمان یهود، در میقات چهل روزه موسی (ع) متهم می‌کند. جالب این است که نقش هارون (ع) در تورات هم هم‌چون قرآن، یاری رساندن به نبی مکرم خدا، موسی (ع) است و در عین حال هارون؛ در غیاب موسی (ع) خود عامل ترغیب به بت‌پرستی می‌شود.<sup>۱۴</sup> به نظر می‌رسد که فرو کاهیدن شأن پیام‌آوران وحی در متن‌های ریشم‌های یهودی و سینمای صهیونیستی غرب، به چند هدف صورت می‌گیرد:

۱. توجیه شهوترانی‌های کنونی غربیان و الگوپردازی معکوس از مقدسان.
۲. به دست آوردن مجوز ترویج انواع انحراف‌ها در میان ابنای بشر، که یهودیان سردمنار آند.

۱۲. این فیلم با نام (A stranger Among Us) ساخته کمپانی Hollywood Pictures می‌باشد.

۱۳. تورات تحریف شده زنا با محارم و خوردن شراب و مستی (را به توبیح) در سفر پیدایش باب ۱۹، فقرات ۲۰ - ۲۸ بت‌پرستی و زین‌تازی را به سلیمان (ع) در سفر اول پادشاهان. باب ۱۱: شستکاری و زنا و نفس‌پرستی را به داوود (ع) در سفر پیدایش باب ۲۲ و سفر دوم سموئیل باب ۱۱: کنگ و تشویق مردم به گوساله‌پرستی (را به هارون (ع) در سفر خروج باب ۳۲ فریادگویی و زورگویی و گرفتن مکلفه برکت از خدا را به یعقوب (ع) در سفر پیدایش. باب ۳۲ به نابوا نسبت می‌دهد.  
۱۴. سفر خروج. باب ۲۲.

۳. از حجیت انداختن معرفت وحیانی و برجسته کردن مکاتب فلسفی، سیاسی، علمی و تصنعی با محوریت امانیسم کلاسیک و پست‌مدرن، به‌ویژه مکاتب حس‌گرا، لیبرال و ماتریالیستی.

۴. زمینی کردن بحث وحی و پیامبری و توجیه توسعه‌طلبی‌ها و قدرت‌طلبی‌های سران دنیاگرایی صهیونیسم در زمانه کنونی.

### شاهزاده مصر

در پویانمای شاهزاده مصر<sup>۱۵</sup> هم که درباره دوران طفولیت تا خروج از مصر حضرت موسی(ع) است، بر همان مضامین ده فرمان تأکید می‌شود. البته در این انیمیشن سال ۱۹۹۸ م، مضمون‌ها با حدت افزون‌تری زمینی و سکولار شده‌اند. موسای این فیلم، پیش از پیامبری، جوانی غافل، خوشگذران و رفاه‌طلب - نمونه شهروندان جوان مطلوب در سیستم زندگی غربی است - که الگویی تمام‌عیار، برای جوانان استعمار شده جهان، به ویژه در کشورهای غربی است.

بی‌شک اگر شرایط روایت تاریخی فیلم، به کارگردان اجازه می‌داد، گوش دادن به موسیقی‌های جاز، پاپ، راک، مصرف مواد مخدر و نشاط‌آور را هم به موسای صهیونیستی نسبت می‌دادند. در این انیمیشن، موسی(ع) که بزرگ‌ترین پیامبر و منجی قوم یهود است، پیش از پیامبری، حتی با توحید و نبوت آشنایی نداشت. او عیاش و متمایل به بت‌های فرعونیان بود! حضرت موسی(ع) پس از پیامبری هم، رهبری قوم‌محور و نه خدامحور، تلقی شده است که آرزوی رسیدن قومش به سرزمین موعود و نجات عبرانیان برگزیده، از دست قبطیان، همه زندگی‌اش را فرا گرفته و معجزه‌هایش نیز، نه برای اثبات حقانیت خداوندی خدا، که برای نجات قوم یهود از ستم غلو شده مصریان است. صحنه پایانی و شگفت‌آور باز شدن راهی در وسط دریا و موفقیت قوم بنی‌اسرائیل در گذر از آب، چنان اثری در بیننده می‌گذارد که بی‌اختیار، عبرانیان را نژاد برتر و برگزیده خدا بداند که، زندگی در سرزمین موعود فلسطین حق مسلم آن‌هاست.

سال ۱۹۹۸ همان روزهایی است که مبارزه‌های ملت فلسطین و بیداری اسلامی، روح تازه‌ای گرفته بود و اسرائیل جنایتکار، کشتار قانا در جنوب لبنان را انجام داده بود(۱۹۹۶م). و نیاز به ابزارهای تبلیغاتی جدیدی برای مشروعیت‌بخشی دوباره و فشار تبلیغاتی در اذهان جهانیان داشت. این انیمیشن خوش‌ساخت و تأثیرگذار را پرتلاطم چیمین و استیو هیکز کارگردانی کردند و یهودیان

۱۵. The prince of Egypt به کارگردانی برنیا چیمین و استیو هیکز در سال ۱۹۹۸ ساخته شد.

مشهور هالیوود هم‌چون *وال کیلمر*، *میشل فایفر*، *ساندرا بولاک* و *جف گلد بلوم* به ترتیب صدایشگان نقش *موسی*، *همسر او*، *خواهر وی* و *هارون بودند* و بسیاری دیگر از عوامل فیلم هم از یهودیان و صهیونیست‌های مطرح هالیوود بودند. شرکت *دریم ورکز* تولید کننده این اثر، متعلق به یکی از مشهورترین صهیونیست‌های یهودی هالیوود، *استیون اسپیلبرگ* است. این اثر، شباهت‌های ساختاری زیادی با *ده فرمان* سیسیل ب. دومیل دارد و یک شکاف عمیق بین انیمیشن‌های معاصر و کلاسیک ایجاد کرد.<sup>۱۶</sup>

### کتاب آفرینش

فیلم *کتاب آفرینش* نیز اثری مطرح درباره پیامبران است که *زندگی آدم(ع)*، *حواء*، *نوح*، *لوط*، *ابراهیم*، *اسماعیل* و *اسحاق(ع)* را با قرائت هالیوودی - توراتی نشان می‌دهد. این اثر ضعیف را *کمپانی یهودی-صهیونیستی فوکس قرن بیستم* در سال ۱۹۶۶م. به کارگردانی *جان هیوستون* ساخت.<sup>۱۷</sup> این فیلم که بیشتر به مستندی توراتی می‌ماند، با استفاده از بازیگران برجسته‌ای هم‌چون *جان هیوستون* و *جرج سی. اسکات* و *اوا گاردنر* در نقش‌های *نوح*، *ابراهیم* و *ساره(ع)*، توانست بازی‌گردانی قوی و داستانی باور کردنی را ارائه دهد.

در فیلم *کتاب آفرینش*، *نوح* و *آدم(ع)* پیامبرانی هستند که در حد دیگر افراد بشر معرفی می‌شوند. حتی، دین در زندگی آن‌ها تأثیر چندانی ندارد و بیشتر به ساده‌لوحانی می‌مانند که هم‌چون دیگران، زندگی بدوی و کشاورزی خود را می‌گذرانند. اثری از هشایری پیامبرانه و هوشمندی یک انسان برگزیده و شایسته، در آن‌ها یافت نمی‌شود. برای نمونه به چهره‌پردازی و شخصیت‌پردازی زیرکانه *هری پاتر*<sup>۱۸</sup> در یک داستان منجی‌گرایانه خاص نوجوانان یا *گاندولف* در *اریاب حلقه‌ها* یا *آرتور* در *ترمینیاتور* توجه کنید.

قهرمان این فیلم‌ها، جذابیت، زیرکی، قدرت، زمان‌شناسی و واکنش مناسب و پیچیده خود را در قسمت‌های حساس فیلم به نمایش می‌گذارند. به گفته یک منتقد زیرک، *آدم(ع)* در این فیلم مظهر علم ربوبی و پیامبری، برتر از فرشتگان نیست. او چهره کشاورزی ساده و بی‌سواد را دارد که در جهل و بی‌خبری به سر می‌برد و تا حدی هم‌چون اقوام اولیه بربر است.<sup>۱۹</sup> این فیلم کاملاً بر اساس آموزه‌های جامعه‌شناسی پوزیتیویست و فلسفه تاریخ مادی است که ابتدای تاریخ را

۱۶. اسپیلبرگ تقدیم می‌کند. کربانه اسپیلبرگ تهیه‌کننده مجله *تایم* تصویر، شماره ۱۲۳، شهریور ۱۳۸۳، ص ۱۰۴.

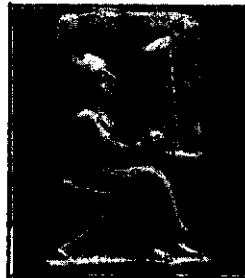
۱۷. وی و پیامبری با طعم هالیوودی، منبع پیشین.

۱۸. *کنلر جاکوب رادکلیف* که با مادری یهودی-جزم یهودیان محسوب می‌شود در این اثر نقش *هری پاتر* را بازی می‌کند. درباره ارتباطات زیاد داستان و فیلم *هری پاتر* و یهودتکد

Perspective on Harry Potter - Part 2 Is Harry Potter Still a A Jewish Nice Jewish Boy? نوشته *Cantor Amy O. Miller* به نشانی: [www.ackio.org.uk/AmyMiller2.shtm](http://www.ackio.org.uk/AmyMiller2.shtm)

و همچنین *Is Harry Potter jewish* نوشته *طاهم جک ابراهیم*.

۱۹. چرا هالیوود پیامبران را مستخره می‌کند؟ مصوبه اسپیلبرگ، مجله *فرهنگ پویا*، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، قهر شهریور ۱۳۸۵، شماره ۱۱، ص ۱۲۶.



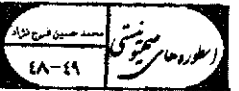
روزهای گمراهی و اکنون را دوران علم مدرن و تمدن و فرهنگ معرفت حسی و تجربی می‌شمارد. آدم (ع) صرفاً ابوالبشری است که به راحتی و سادگی فریب شیطان - مار - را می‌خورد و به جای یک نی معصوم و مهربان، مردی ساده لوح و کم‌اندیشه می‌نماید. عرفان و معرفت‌گرایی و عمق اصلاً در شخصیت او نیست. هم‌چنین نوح(ع) هم دارای شخصیت‌پردازی مشابهی است که بیشتر به پیرمردی کشتی‌ساز می‌ماند که در زمان دریافت فرمان الهی برای ساخت کشتی، با واکنش احمقانه وحی را دریافت می‌کند. سادگی، بی‌سوادی و کم‌عمقی شخصیت پیامبران در این آثار، راه را برای نظریه‌های کلام جدید باز می‌کند.

این نظریه‌ها وحی را تجربه‌ای شخصی می‌پندارند که هر انسان ساده‌ای هم می‌تواند آن را دریافت کند. کاستن از شأن وحی تا حد یک تجربهٔ حیوانی همه‌گیر که هر کس حتی گناهکاران هم مقداری از آن را دارند، درون‌مایهٔ معرفتی و حیات‌بخش وحی را تهی می‌کند. دیگر وحی، زندگی‌ساز و قانون حاکم بر تمام ساحات حیات بشر نیست، بلکه وسیله‌ای است برای ارتباطی کوتاه و گهگاهی با خدا. در این نگاه که مقدمه‌ساز بسط ارزش‌های سکولار به شمار می‌رود، خدا در همهٔ عرصه‌های مادی و معنوی حضور ندارد و حتی روشنفکران دوران کنونی هم می‌توانند پیامبر باشند.

فیلم *ژان دارک*<sup>۲۰</sup> این روند را تکمیل کرده است و وحی را به یک دختر روستایی ساده نسبت می‌دهد که تا انتهای فیلم هم در نمی‌یابیم که وحی الهی بوده است یا الهامی شیطانی. فرو کاهلین وحی به تجربهٔ شخصی، راهی است برای کنار نهادن دین از زندگی بشر. دربارهٔ پیامبران غیر بنی‌اسرائیلی از شأن وحی و پیامبری، بیش از پیامبران یهود کاسته شده است.

در سینمای غرب، حتی دربارهٔ پیامبران بنی‌اسرائیلی هم چون ابراهیم، اسحاق، لوط و حتی موسی، داوود و سلیمان (ع) هم، پیامبری، ابزار انذار، تشبیر و دعوت به حقانیت و توحید نیست؛ بلکه ابزاری است برای نجات یهود مظلوم و آواره و سکنی گزیدن در سرزمین شیر و عسل و به قدرت رسیدن پادشاه یهودی و تصرف بیشتر سرزمین‌های اطراف. سیاست‌هایی که اکنون برای صهیونیسم بین‌الملل، بت‌های مقدسی هستند که هیچ بت دیگری را در کنار خود بر نمی‌تابند. در فیلم کتاب آفرینش، تحقیر عمدی اسماعیل(ع) جد بزرگ پیامبر اسلام هویداست. پس از

۲۰. ژان دارک (Jeanne d'Aec) به کارگردانی لوک بسون (Luk Besson) فرانسوی با نام کامل فرشتهٔ دستان ژان دارک! The Messenger: The story of Joan of Arc. محصول ۱۹۹۹م.





تولد اسحاق(ع) که نیای بنی اسرائیل به شمار می‌رود در فیلم، جشن‌های مفصلی که نوع به تصویر کشیدن آن، متناسب با شأن ابراهیم حنیف(ع) نبود، برگزار می‌شود و در مقابل هاجر و اسماعیل(ع) تبعیدشدگانی نمایش داده می‌شوند که به دلیل اختلاف‌افکنی به صحرای حجاز تبعید شده‌اند.

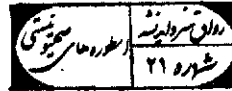
در این فیلم محرف، اسماعیل نسبت به پدرش ایمانی ضعیف دارد. در واقع صهیونیسم مکار، یک ماجرای تاریخی را با زیرکی تحریف می‌کند. در واقع ابراهیم(ع) که در دوران پیشی و زمان شناسی یگانه بود، می‌دانست که منطقه پرآشوب فلسطین و قوم لجوج یهودی تناسبی با پرورش خاتم پیامبران(ص) ندارند. او کنیز و فرزندش را که اجداد پیامبر اسلام بودند با دستور الهی به عربستان منتقل کرد تا در محیطی آرام، بستر رشد آینده پیامبر اسلام و دین خاتم، فراهم شود. نژادپرستی و انحصارگرایی صهیونیستی، هیچ‌گاه نمی‌تواند اسحاق(ع) که جد یهود است را هم‌شان اسماعیل(ع) کنیززاده قرار دهد، به ویژه این که اخیراً سیاست‌های سینمایی - سیاسی هالیوود همیشه مسلمانان و اجداد و هر آنچه در نسبتی با آنهاست را ضعیف یا شرور جلوه می‌دهد.

### فیلم الرساله<sup>۲۱</sup> یا محمد رسول الله (ص)

زرسالاران دنباطلب یهودی، که هالیوود را هم در کنترل دارند، منافع خود را در ناحق جلوه دادن آخرین وحی پیامبرانه، یعنی اسلام می‌دانند و در چنین آثاری می‌کوشند با تحریف معنای وحی و کاهش منزلت پیامبران، پیامبر اسلام(ص) را هم در همان خط سادگی و تجربه شخصی قلمداد کنند. گفتنی است گرچه اثری چون الرساله نیز در هالیوود تولید شده، ولی کارگردان زیرک و متعهد مسلمان فیلم، مصطفی عقاد تلاش زیادی کرد که بر اساس روایت‌های اسلامی اهل سنت و با تأیید لازهر مصر، فیلمی برای اعتلای نام اسلام بسازد. حتی تهیه‌کننده اصلی فیلم هم دولت مسلمان لیبی بود. گرچه در همین فیلم هم مسلمانان را افرادی خشن نشان داده‌اند. بازیگر نقش حمزه(ع)، آنتونی کوین، نماد اقتدار بیرونی و خشونت است، نه نماد اقتدار درونی و اندیشمندانه. کوین با تیپ ویژه‌ای که دارد، در فیلم‌های سرخ‌پوستی بازی می‌کرده است<sup>۲۲</sup> و محوریت او در فیلم، نقش منطق و معرفت پیامبر را کم‌رنگ‌تر کرده است. این تصویر از اسلام، مورد پسند

۲۱. الرساله The story of Islam (Message) مصطفی عباد ( Mostafa Eghad) با سرمایه کشور لیبی با بازی آنتونی کوین در نقش حمزه و ایرنا پاپس در نقش هند بکرخوار و با موسیقی متن موریس ژار آهنگساز اتریشی.

۲۲. وحی و پیامبری با طعم هالیوودی. بخش اسلام هالیوودی در مولجه با وحی پیامبری. پیشین: الرساله تصویر گرینش هالیوود از پیامبر اعظم(ص). منبع پیشین.



شرق‌شناسان یهودی و بر طبق سخنان آنان است. عقاد به راحتی می‌توانست با بازی‌گردانی قوی‌تری، چند شخصیت علمی و فرهنگی صدر اسلام را هم به نمایش بگذارد که چهرهٔ جامع‌تری از اسلام ارائه شود. منطق، معرفت، صبر و سپس شمشیر در برابر زورگویان.

نقد دیگر به این اثر هالیوودی، این است که در این فیلم، هیچ خبری از جنگ‌های مسلمانان با یهودیان نیست و آزار یهودیان مدینه نسبت به شخص پیامبر سانسور شده است تا برخلاف یهود و صهیونیسم نباشد؛ زیرا به گفتهٔ خود عقاد:

در هالیوود همه چیز، حتی سوزه هم کنترل می‌شود. همه‌کاره تولیدکنندگان و تأمین‌کنندگان مالی صهیونیست هستند که هرگز اجازه مطرح کردن سوزه چنین کاری را هم، به کارگردان نمی‌دهند.<sup>۲۳</sup>

در تاریخ می‌خوانیم که جنگ‌های بنی‌نضیر، بنی‌المصطلق، بنی‌قینقاع و خیبر مستقیماً با یهودیان بود؛ ولی این فیلم حول جنگ‌های بلر، احد و فتح مکه است. در واقع این اثر از مثلث شیطانی که بر ضد اسلام به هماهنگی رسیده بود، یعنی مشرکان، یهودیان و منافقان<sup>۲۴</sup> فقط به نفی مشرکان پرداخته است. مانند این که یهود و غاصبان منافق متحد با یهود، هیچ دشمنی با پیامبر اکرم نداشته‌اند.

افزون بر این، فیلم ظاهراً به طور تعمدی می‌کوشد نقش اصحاب اندیشه‌ورزی چون سلمان، مقاد، ابونر و علی بن ابی‌طالب(ع) را کم‌رنگ کند. در عوض به اغراق، اطرافیان پیامبر را بلال و زید بن ثابت و چند شخصیت گم‌نام معرفی می‌کند.<sup>۲۵</sup> زید نیز به شکل افراطی در فیلم دیده می‌شود. بسیار کم از علی(ع) بحث می‌شود. فقط در جنگی، یک شمشیر دولبه در کادر دوربین می‌بینیم که یادآور خشونت‌ها و جنگ‌طلبی‌های اوست نه عقل و درایت و بازوی اسلام بودنش و نه تهج البلاغه حکیمان‌اش و تاریخ پرافتخارش. به گفتهٔ منتقدی:

بهتر بود نام این اثر سینمایی زید بن ثابت یا بلال باشد تا محمد رسول الله(ص).<sup>۲۶</sup>

افزون بر این، به تیشیر، انذار، گفت‌وگوها و مناظره‌های حضرت، به مقدار اندکی در فیلم، توجه شده است. دلیل اسلام آوردن مسلمانان صدر اسلام و حقانیت عرفان و اندیشه اسلامی را نمی‌دانیم. به‌گونه‌ای که در این فیلم، بیشتر شکوه بیرونی اسلام به کمک جنگ، نشان داده می‌شود نه اقتدار و حقانیت تفکر اسلام سیاسی - اجتماعی که داعیه‌دار ادارهٔ زندگی و حکومت

۲۳. گفت‌وگو با ناصر گلستانه با نام اگر آبروی زنده بود سپتامبر می‌کشید. محمدحسین بدری، مجلهٔ سوره در نشانی.

www.ircap.com/magentry.asp?ID=4394

۲۴. این تقسیم‌بندی منسجم را از این اثر گرفته‌اند. تبار انحراف (زیوشی در دشمن‌شناسی تاریخی)، تحقیق و توسعه و نشر موسسه مطالعات فرهنگی لوح و کتاب، قم، چاه اول، ۱۳۸۲.

۲۵. آفرین فرستاده بر سرپردهٔ قرآنی، مهر صدر، مجلهٔ فرهنگ پویا، دفتر پژوهش‌های فرهنگی قم، شماره ۱، شهریور ۱۳۸۵، ص ۱۱۸.

۲۶. منبع پیشین.

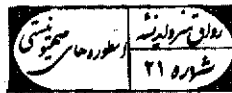
آدمیان است. این تحلیل، همان نقدی است که به فیلم‌های ده فرمان، کتاب آفرینش، پرنس مصر، مصائب مسیح، سلیمان و ملکه سبا و... نیز وارد است که به دلیل روحیه حس‌محور و تجربه‌گرایی دوران مدرن و رواج اساطیر اومانستی - صهیونیستی، در هالیوود حکم فرماست. حتی اگر فیلمی با سرمایه مسلمانان و با کارگردانی مسلمان متعهدی چون عقاد، بخواهد از امکانات بازیگران هالیوودی بهره ببرد.

البته انصاف این است که این فیلم در نشان دادن شکوه اسلام از زاویه‌ای، بسیار موفق بود و تا حدی توانست جلوی بعضی تبلیغات منفی را بگیرد. مصطفی عقاد انسان متعهدی بود که بیش از این نتوانست در هالیوود، کار کند و با زیرکی صحنه‌های مناظره جعفر بن ابی‌طالب و نجاشی که مسیحی بود و تلاوت آیه‌های سوره مریم را مفصل‌تر کار کرد تا بتواند بر مخاطبان غربی که بیشتر مسیحی هستند تأثیر بگذارد. به جاست که در این مرحله از آثار پدید آمده در کشورمان، همچون مریم مقدس و اصحاب کهف نام ببریم و نگاه زیبا و جامع‌تر آن‌ها به اولیای الهی را بستاییم. برخی مسیحیان در کشورهای مسیحی، پس از دیدن مریم مقدس اعتراف کرده بودند که نگاه مسلمانان به او ان مسیحیت، زیباتر از مسیحیان است.

### سلیمان و ملکه سبا

داوود و فرزندش سلیمان (ع) در فیلم سلیمان و ملکه سبا<sup>۳۳</sup> اساساً پیامبر و نبی نیستند، بلکه پادشاهان قوم یهودی هستند که پیامبر دربارشان ناتان نام دارد. آن دو مملکت‌داری و حکومت می‌کنند و ناتان نبوت. بی‌دلیل نیست که حتی از حکومت آخرالزمانی یهود هم با عنوان پادشاهی داوودی نام می‌برند و عبارت David King زینت‌بخش مجالس قدرتمندان صهیون است و اسطوره سلطنت داوودی یهود در آخرالزمان، امیدبخش یهودیان متعصب، برای حکومت جهانی اعقاب بنی اسرائیل در پایان دوران است؛ زیرا بر اساس این فیلم، داوود و سپس فرزندش سلیمان، نمایان‌گر تام رهبری دنیوی اسباط یهود هستند. این دو پادشاه مقتدر، به ویژه سلیمان، آن قدر این جهانی تصویر می‌شوند که مرامی اشرافی و شاهانه دارند و از زهد و معنویت در آن‌ها خبری نیست.

با ناباوری شاهدیم که فیلم سلیمان و ملکه سبا از سلیمان چهره پادشاهی ارائه می‌دهد که اسیر مکر فرعون و بلقیس می‌شود و با نگاهی لذت‌جوینانه به ملکه جوان سبا، دل و دین خود را می‌بازد



و حتی به ملکه سبا اجازه می‌دهد که مراسم پرستش خدای راگون را - که یکی از بت‌های اهالی سیاست - در سرزمین مقدس خدا انجام دهند. همین امر خشم خدا را به جوش می‌آورد. عذاب بر بنی‌اسرائیل فرود می‌آید و با رعدی سهمگین، هیکل سلیمان، ویران می‌شود. سلیمان حتی تا آن‌جا پیش می‌رود که می‌خواهد در مراسم جشن خدای راگون شرکت کند. به همین سبب، مخالفت کاهنان، روحانیان یهود، ناتان نبی، امرای ارتش و مردم برافروخته می‌شود و همگی به سلیمان اعتراض می‌کنند در سکانسی که این مطلب در فیلم بیان می‌شود، ناتان نبی خطاب به سلیمان می‌گوید:

به تو هشدار می‌دهم سلیمان، که خود را از لوث این کفری که به اسرائیل آلوده‌ای پاک کنی. باید که این زن و بت‌پرستی‌های او را ترک کنی. بت‌های او را به زیر بکش و خرد کن.

یکی دیگر از ملازمان سلطان الهی یهود به نام عزرائی به او می‌گوید:

به نظر می‌رسد که شهوت تو به این زن، منطق را از تو گرفته است!

سلیمان در پاسخ می‌گوید:

کلمات را با دقت انتخاب کن عزرائی: من به اون زن عشق دارم. به خاطر عشق او بود که من به او پیشنهاد کردم در سلطنت من شریک شود و به خاطر عشق در مراسم مذهبی او شرکت می‌کنم. گوش‌ها و قلب من برای شنیدن اراجیف شما بسته است. فعلاً در این‌جا من فرمانروا هستم نه شما!

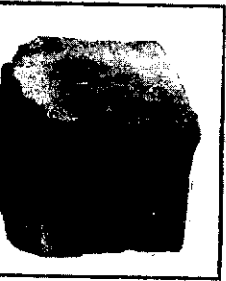
ناتان هم به سلیمان در حالی که جمع را ترک می‌کند می‌گوید:

وای بر تو سلیمان!

انحراف متون نامقدس اینان و در پی آن سینمای جاعل غرب، نه تنها چهره یک پیامبر را از سلیمان گرفته، بلکه آن عزیز خدا را مخالف حکم پیامبران می‌نمایاند! در تورات موجود، حتی عنوان فصلی از باب یازدهم سفر اول پادشاهان، بخشی با عنوان علت دور شدن سلیمان از خدا<sup>۲۸</sup> دیده می‌شود. برای وضوح بیشتر فرازهایی از این قسمت تورات را می‌آوریم:

سلیمان پادشاه، به غیر از دختر فرعون، دل به زنان دیگر نیز بست. او برخلاف دستور خداوند زنانی از سرزمین قوم‌های بت‌پرست مانند مواب، عمون، ادوم، صیدون و

۲۸. ترجمه تفسیری کتاب مقدس. قطع جیبی. چاپ لندن بین‌المللی مقدس انگلستان. ۱۹۹۵م. سفر اول پادشاهان، باب ۱۱، ص ۳۳۴.



حیت به همسری گرفت. خداوند قوم خود را سخت برحذر داشته و فرموده بود که با این اقوام بت پرست هرگز وصلت نکنند تا مبادا آن‌ها قوم اسرائیلی را به بت پرستی بکشانند. سلیمان هفتصد زن و سی صد کنیز برای خود گرفت. این زن‌ها به تدریج سلیمان را از خدا دور کردند. به طوری که او وقتی به سن پیری رسید به جای این‌که مانند پدرش داوود با تمام دل و جان خود از خداوند خدایش پیروی کند، به پرستش بت‌ها روی آورد. سلیمان، عشتاروت، الهه صیقلی‌ها و ملکوم، بت نفرت- انگیز عمونی‌ها را پرستش می‌کرد. او به خداوند گناه ورزید و مانند پدر خود داوود، از خداوند پیروی کامل نکرد. حتی روی کوهی که در شرق اورشلیم است، دو بت‌خانه برای کموش، بت نفرت‌انگیز موآب و موبک بت نفرت‌انگیز عمون ساخت. سلیمان برای هر یک از این زنان اجنبی نیز بت‌خانه‌ای جداگانه ساخت...

در ادامه به عنوان جرمه، سلطنت پس از سلیمان، به پسرش به طور کامل نرسید و پسر سلیمان فقط بر یکی از دوازده قبیلهٔ یهود حکومت کرد. هیچ خبری هم از جرمه‌های آخری این گناه کبیره یعنی نفی توحید، برای سلیمان نیست. انگار امانیسم و انسان‌محوری در دین یهود و متن اساسی آن، تورات نهادینه شده است، که خدا هم در قبال گناه کبیره شرک، به سلیمان کاری ندارد.

همان گونه که گفته شد خدای ضعیف یهود، در قبال خلاف‌های فراوان و پادشاه آن‌ها که خود منصوب کرده بود، قدرت چندانی نداشت و به دلیل ضعف آموزه‌های توحید، معاد و نبوت در یهودیت و نژادپرستی، تعجب چندانی نیست که این مطالب سست در اصلی‌ترین متن آن‌ها آمده است. حضرت سلیمان و داوود(ع) بی‌شک در واقع پیامبران خدا بوده‌اند و اقتدار، دین‌داری، حکومت‌داری، حکمت و شریعت را با هم داشته‌اند:

وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَلَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا...<sup>۳۰</sup>

قرآن در بیانی کامل در جای دیگری می‌فرماید:

وَهَبْنَا لِداوود سُلَيْمَانَ نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ؛ ما سلیمان را به داوود بخشیدیم، چه

بندۀ خوبی، زیرا همواره به سوی خدا بازگشت می‌کرد (و به یاد او بود)<sup>۳۱</sup>

در جای دیگر خداوند بندهٔ فرمان‌بردارش سلیمان(ع) را چنین می‌ستاید:

وَإِنْ لُدَّ عِبْدَنَا لَوْلَايَ وَحَسْبُنَا مَآبٌ؛ و برای او (سلیمان) نزد ما مقامی لرجمند و

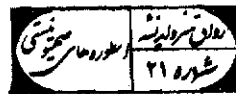
سرانجامی نیکوست.<sup>۳۲</sup>

همهٔ عزت سلیمان در این قبلم، حفظ وحدت دوازده قبیله و ساختن معبد بزرگ سلیمان و ثروت فراوان و کاخ و داوری‌های مردم‌پسند اوست؛ اموری که بیشتر به دنیای مردم مربوط می‌شود. با این‌که در قبلم، سلیمان هم مانند پدرش داوود، از سوی خدا، منصوب می‌شود ولی وجههٔ دنیوی حکومت او خیلی قوی‌تر نشان داده شده است و خبری از بینش، معرفت، عرفان و حکمت او در

۳۰. سوره بقره، آیه ۱۰۲.

۳۱. سوره ص، آیه ۲۰.

۳۲. سوره ص، آیه ۲۰.



فیلم نیست. حرف چندانی از هدف‌های عالی معنوی و جهان آخرت و تلاش برای هدایت دیگر اقوام به خدا نمی‌شنویم. مانند فیلم‌های ده فرمان و پرئس مصر. حتی نقش ناتان نبی در این فیلم، حاشیه‌ای و کمرنگ روایت شده است. اصالت با تداوم پادشاهی داوودی و زندگی ناسوتی قوم برگزیده می‌باشد و پس.

اسطوره‌های ملت واحد یهود و سرزمین مادری هم در پس‌زمینه فیلم هویداست. تا آن‌جا که وقتی سلیمان در اوج خلاصت و به خاطر ملکه جوان می‌خواهد در مراسم پرستش بت راگون هم شرکت کند، بزرگان بنی‌اسرائیل نماد اتحاد ۱۲ قبیله را در اعتراض به عملکرد او می‌شکنند. در کتاب توراتی که حتی به ابراهیم حنیف(ع) نسبت ناروا و زشتی بدین صورت می‌دهند که برای به دست آوردن دل فرعون و از ترس جان خودش، حاضر شد همسر خود ساره را، خواهر خود معرفی کند و به پادشاه بدهد تا با او عمل جنسی انجام دهد.<sup>۳۲</sup> تعجیبی نیست که به داوود و سلیمان نسبت‌هایی چنین داده شود. ابراهیمی که حتی برای یهودیان هم، نبی و رسول الهی است. پر واضح است که در جای جای کتاب یهود، حکمت‌ها و نکته‌های آموزنده‌ای از بزرگان دین وجود دارد، ولی منافع زرسالاران حاکم بر سینما، با تصویر کردن خوبی‌ها در تضاد است و بیشتر با ترویج شهوت‌رانی و قدرت‌طلبی و خودپسندی می‌سازد، البته شاید ماهیت رسانه سینما و گیشه‌محوری و منفعت‌طلبی فیلم‌سازان هم در نشان دادن بعضی مراحل داستان‌های تورات، بی‌تأثیر نباشد.

### ارمیا

در فیلم /ارمیا<sup>۳۳</sup> نیز شاهدیم ارمیای نبی(ع)، ساده‌لوح، ترسو و غیرعادی است و در ابتدا با سحر و جادو در بیابان به سر می‌برد. حرف‌هایی غیرعادی نیز می‌زند. در ادامه، فیلم در پاسخ به این پرسش که آیا ارمیا انسانی برتر است؟ به این سو پیش می‌رود که ارمیا نه تنها یک الگو و قهرمان توحیدی نیست، بلکه بشری است ترسو، فقیر و ساده‌تر از حد معمول که وحی بر او نازل می‌شود، ولی او با شنیدن نوای الهی پا به فرار می‌گذارد و از پذیرش کلام وحیانی سر باز می‌زند!!!



۳۲. پسر مسر پدایش باب ۱۲ می‌خوانید

وکتی در اثر خشکسالی ابرام و همسرش به مصر رفتند ابرام به همسرش سلامی گفته تو زن زبانی هستی و اگر مردم مصر ببینند که من شوهر تو هستم برای تصاحب تو مرا خواهند کشت؛ ولی اگر بگوئی شوهر من هستی به خاطر تو با من به مهری رفتار خواهند کرد و جام درلمان نخواهد بود. وکتی پسر مسر شدند مردم آن‌جا دیدند که سلامی زن زبانی است. حکمی گو فراریان فرعون سلامی را دیدند و در حضور فرعون از زبانی او بسیار تعریف کردند فرعون دستور داد تا او را به قصر ببرد آن‌گاه فرعون به خاطر سلامی، هدایای فراوانی از قبیل گوسفند گاو، شتر، الاغ، غلامان و کنیزان به ابرام بخشید ولی خانواده فرعون و همه افراد مصر را به بلای سختی مبتلا کرد زیرا سلامی زن ابرام را به قصر خود برده بود. فرعون ابرام را به نزد خود فراخواند و به او گفت: این چه کاری بود که با من کردی چرا به من گفتی که سلامی زن تو نیست؟ چرا او را شوهر خود معرفی کردی تا او را به زنی بگیرد؟ حال او را ببرد و از این‌جا ببرد. آن‌گاه فرعون به مأموران خود دستور داد تا ابرام و همسرش را با توکیران و کنیزان و هرآنچه داشتند رها کنند.

ظاهراً کتاب مقدس(م) با این مرزوفات و مطالب شیطانی بیشتر کتابی از اسطوره‌های کذب جنسی است تا کتابی مقدس! اساساً نام‌گذاری این کتاب (Bible) به کتاب مقدس (Holy Bible) فریبنده و توجیه‌گرانه است.

۳۳. ارمیا

